



حاشیه‌های ساخت یک برنامه تلویزیونی درباره فروغ فرخزاد از زبان

سعیدبیابانکی

تلفن‌های تشویق آمیز و تهدیدآمیزمان زیاد شد



سعید بیابانکی در دومین نشست ادبی «عصر آدینه» که با محوریت بررسی زندگی و شعر فروغ فرخزاد برگزار شد، از تجربه تلویزیونی اش در سال ۱۳۹۴ درباره ساخت برنامه‌ای با محوریت زندگی و شعر فروغ گفت که در ادامه بخشی از آن را به نقل از خبرنگاری مهر می خوانیم.

اولین برنامه ما با موضوع اخوان ثالث روی آنتن رفت. فکر می‌کنم برنامه از مهر شروع شد و بعد از چند نوبت با استقبال روبه روشد. بهمن بود که مجوز ساخت برنامه‌ای درباره فروغ فرخزاد را به ما دادند و به این ترتیب ۳۰ بهمن ۱۳۹۴ برنامه‌ای زنده درباره فروغ را روی آنتن شبکه ۴ بردیم. یک ماه روی این برنامه کار کرده بودیم، چون هر مهمانی دعوت می‌کردیم یا تلویزیون او را نمی‌پذیرفت یا خود مهمان شرایط آمدنش را مهیا نمی‌دانست. درنهایت با سه عزیز به توافق نهایی رسیدیم و برنامه را شروع کردیم. این سه تن، بهروز یاسمی، محمدحسین جعفریان، مهنوش قربان علی بودند که هر سه در حوزه فروغ کار کرده بودند. هرچه به برنامه نزدیک می‌شدیم، میزان تلفن‌های تشویق‌آمیز و تهدیدآمیز به ما بیشتر می‌شد. به همین دلیل با اضطراب وارد برنامه شدیم. بعد از پایان برنامه دویست پیام تحسین‌آمیز داشتم. در این برنامه برای اولین بار، صدا و تصویر فروغ را از تلویزیون پخش کردیم و درباره آثار او حرف زدیم. از آن برنامه به بعد موج تازه‌ای درباره نگرش به شعر فروغ ایجاد شد. این اتفاق در رسانه‌ها هم بازتاب خیلی خوبی پیدا کرد. حتی حسین منصوری، پسر فروغ، از طریق دوستی از آلمان با من تماس گرفت و بابت برنامه تشکر کرد. حسین منصوری همان کودکی است که فروغ آن را از جذام خانه نجات داد و پیش خودش آورد و او را بزرگ کرد. ایشان اکنون نوازنده و مترجم است و سال‌هاست در آلمان زندگی می‌کند. بعد از خواندن این مطلب ذهنم به سمت شعر فروغ رفت و فکر کردم فروغ ما شاعری است که به این مرحله رسیده است. او حتی توانسته بود به عمق مجهول دست پیدا کند. در طول تاریخ، شعرای زن کمی را به نسبت مردان می‌شناسیم. اما اتفاقی که از زمان مشروطه در شعر ایران می‌افتد، این است که زنان حضور پررنگ‌تری در جامعه پیدا می‌کنند و همین موضوع سبب می‌شود شعر زنان به هویت و شخصیت مستقل دست پیدا کند. اگر در تاریخ ادبیات تا پیش از مشروطه به شعر شعرای زن نگاه کنیم، می‌بینیم زن، شخصیت و دنیای زیسته او، هیچ حضوری در دنیای شعر ندارد. یعنی حتی وقتی زنی شعر می‌گوید، انگار از زبان مردان صحبت می‌کند.

شاخصه شعر فروغ چیست که سبب شده است او را به عنوان یکی از سردمداران شعر زنان بشناسیم و او را در بین یکی از پنج تن مطرح شعر معاصر ایران و بزرگانی مانند نیما و اخوان نام ببریم؟ او در شعر خودش چه کرده که به چنین جایگاهی رسیده است؟ بسیاری دلیل این را در اتفاقات زندگی شخصی او جست و جو می‌کنند. اگر سر سوزنی شعر را بشناسیم، می‌بینیم که در همان دوره و اکنون نیز شعرای بسیاری بودند و هستند که همه اتفاقات تلخ زندگی فروغ را داشتند. اما شعرشان به چنین جایگاهی نرسیده است. درواقع تا شما مایه‌ای در هنر نداشته باشید، اگر همه عوامل هم دست به دست هم دهند، شعر و شاعر را به جایگاهی نمی‌رسانند.

تازه‌های کتاب

رمان میاکوتو با ترجمه مهدی غبرایی منتشر شد
گزارش مرگ یک انسان

رمان «رودی به نام زمان» نوشته میاکوتو، به تازگی با ترجمه مهدی غبرایی و به وسیله نشر افق راهی بازار نشر شده است. این کتاب صدوشصتمین رمان از مجموعه «ادبیات امروز» است که این ناشر چاپ می‌کند و نسخه اصلی آن نیز در سال ۲۰۰۴ چاپ شده است. خبرنگاری مهر نوشته است: آنتونیو امیلیو لیته کوتو که با نام میاکوتو شناخته می‌شود، متولد ژوئیه ۱۹۵۵ در موزامبیک است. او از نویسندگان سفیدپوست این کشور است و جایزه ادبی کاموس، یعنی مهم‌ترین جایزه ادبی پرتغالی را در کنار جایزه نیواشات انترناسیونال در کارنامه دارد. او پسر یکی از مهاجران پرتغالی است که در دهه ۱۹۵۰ به این کشور کوچ کرده بود. میاکوتو در چهارده سالگی، برخی اشعارش را در روزنامه محلی چاپ کرد.

این رمان گزارش مرگ یک انسان پیر و زندگی یک خانواده بزرگ است که از زوایای مختلف ازجمله زاویه دید فرد متوفی و جنازه اش روایت می‌شود. زمان روایت‌ها هم مرتب و پشت سرهم نیست، بلکه تصادفی هستند. حالات آدم‌های قصه افسون‌شده و اشیای درون اتفاقات هم منفرد هستند. در این قصه اجداد خانواده بزرگ، ساکن عالم برزخ هستند، جایی که نازاده و مرده زاده‌ها و زامی‌ها جولان می‌دهند. راوی اصلی داستان این کتاب، ماریانو نوه خانواده است که از شهر فراخوانده می‌شود تا پدربرزش را در یک جزیره به خاک سپارد و به همین دلیل، آن تحصیل

بازمی‌ماند.

این رمان ۲۲ فصل دارد و در نسخه‌ای که نشر افق از این رمان چاپ کرده، در بخش «به جای مقدمه» گفت‌وگویی از ویل فورستر در ۹ دسامبر ۲۰۲۰ میاکوتو درج شده است.

نویسنده: میاکوتو

مترجم: مهدی غبرایی

ناشر: افق

چاپ اول ۱۴۰۲

صفحه ۲۴۰ هزار تومان



مراسم رونمایی از کتاب «هنگامه کیانیان» در بنیاد فردوسی توس و با حضور میرجلال الدین کزازی برگزار شد

مبهم و دشوار؛ جست وجوی سلسله کیانیان در تاریخ

گاه نگاری محسوب می‌شود، دانایان و آگاهان لب به سخن باز کنند که این جانب شنونده باشم.

موضوعی که یکی از پیچیده‌ترین زمینه‌های پژوهشی تاریخ است
زاگرس زند



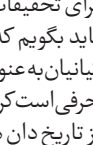
زمینه‌ای که نویسنده کتاب به آن پرداخته، یکی از پیچیده‌ترین، مبهم‌ترین و دشوارترین زمینه‌های پژوهشی تاریخی در همه‌جای جهان است. همیشه این گفت‌وگو و جدل وجود داشته که داده‌های اساطیری و حماسی چه مقدار با داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی منطبق است.

این پژوهش شاهنامه‌ای نیست، چون از شاهان کیانی پیش از شاهنامه و در متون دیگر نام برده شده است. این پژوهش هم در پرسش و هم در روش و هم در یافته‌هایش پژوهشی تاریخی است و از آنجاکه شاهنامه یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی ماست، می‌تواند پژوهش شاهنامه‌شناسانه هم باشد. بهتری بود این پژوهش از منظر گروه و دایرتمان علمی تاریخ انجام می‌شد. نه‌گروه ادبیات. در این‌گونه پژوهش‌ها ما باید مراقب چند نکته باشیم و از آن بپرهیزیم؛ یکی پرهیز از پیش‌فرض کلی که هر شخصیت، دوره و ماجرای که در هر روایت ملی ما آمده، تاریخی است. برای آنکه در جاهایی به شدت با کمبود داده و مستندات تاریخی روبه‌رو می‌شویم. نکته دیگر اینکه درست است که در پژوهش‌های علمی می‌توانیم فرضیه داشته باشیم و برای آن فرضیه داده گردآوری کنیم و بچنگیم برایش و از آن دفاع کنیم، اما داشتن فرضیه نباید جابه‌جا شود با پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک یا متعصبانه یا احساسی یا گزاره‌های کاملاً قطعی اثبات و تلقی‌شده درباره فرهنگ و تمدن یک ملت. برای اینکه اگر هم در آن تمدن و ملت پذیرفته شود، در تمدن و ملت همسایه ممکن است با تمسخر روبه‌رو شود. اگر به موزه‌های چین بروید، می‌بینید که زیر جمجمه‌ها تاریخ‌هایی نوشته‌اند که با هیچ منطق باستان‌شناسی در جهان هم خوانی ندارد. به همین دلیل، داشتن این پیش‌فرض که هر آنچه در شاهنامه یا در روایات ملی آمده، درست است و اگر به نظر غلط آمده است، باید بگردیم و برایش توجیه پیدا کنیم یا موظفیم برای به دست آوردن تصویری کامل، جامع و درخشان از آن، جاهای خالی را پر کنیم. جایی در پژوهش‌های علمی ندارد.

نکته دیگر اینکه آن فرضیه باید به مطالعات و منابع متکی باشد؛ یعنی پرسش‌ها باید برخاسته از مطالعات باشد. اگر ما پیش‌فرض‌های متعصبانه را جلوبیمان بگذاریم و بگردیم سال‌های سال برای آن دلیل پیدا کنیم، می‌تواند به کار ما آسیب بزند. کار باید به روش پژوهش، منبع‌شناسی و حتی به‌گمان من به شیوه نگارش آن علم متکی باشد. یعنی همان‌طور که مثلاً رساله‌ها و پایان‌نامه‌های مهندسی ادبیات خاصی دارند و برای مخاطب عام خیلی قابل فهم نیستند، در حوزه ادبیات و تاریخ هم باید این‌طور باشد؛ بهتر است از مفاهیم و اصطلاحاتی که مختص تاریخ است، استفاده کنیم و اگر لازم شد، برای مخاطب عام توضیح دهیم. در این متن با سه زبان روبه‌رو هستیم؛ زبان ویکی‌پدیایی، زبان خودنویسنده و زبان ارقام و اعداد. مسئله این است که نمی‌دانیم نقش ویراستار کتاب در این بین چه بوده است! آیا ویراستار کتاب این قدر به فارسی‌نویسی علاقه داشته یا این سلیقه و پسند نویسنده بوده است؟ بنابراین کتاب و ارتباطش با خواننده به دلیل اصرار بر سره‌گرایی و فارسی‌گویی دچار اختلال شده است. درحالی‌که صفحه‌ای در کتاب دیدم که حدود سی و‌هزار عربی در آن است. نکته دیگر این است که پیش از ۹۰ درصد مطالب کتاب از ویکی‌پدیا گرفته شده است. استفاده از ویکی‌پدیا برای تحقیقات علمی در کتاب و مقاله ممنوع است. باید بگوییم که با نظر کلی نویسنده، یعنی جای دادن کیانیان به عنوان یک سلسله تاریخی، مواقم این همان حریفی است که سستین سن ایران شناس زده است. خیلی از تاریخ‌دان‌های دیگر هم نمی‌توانند در مقابل این فرضیه استدلال قوی بیاورند و ردش کنند. نویسنده برای این موضوع شواهد پیدا کرده و برایش زحمت زیادی کشیده است.

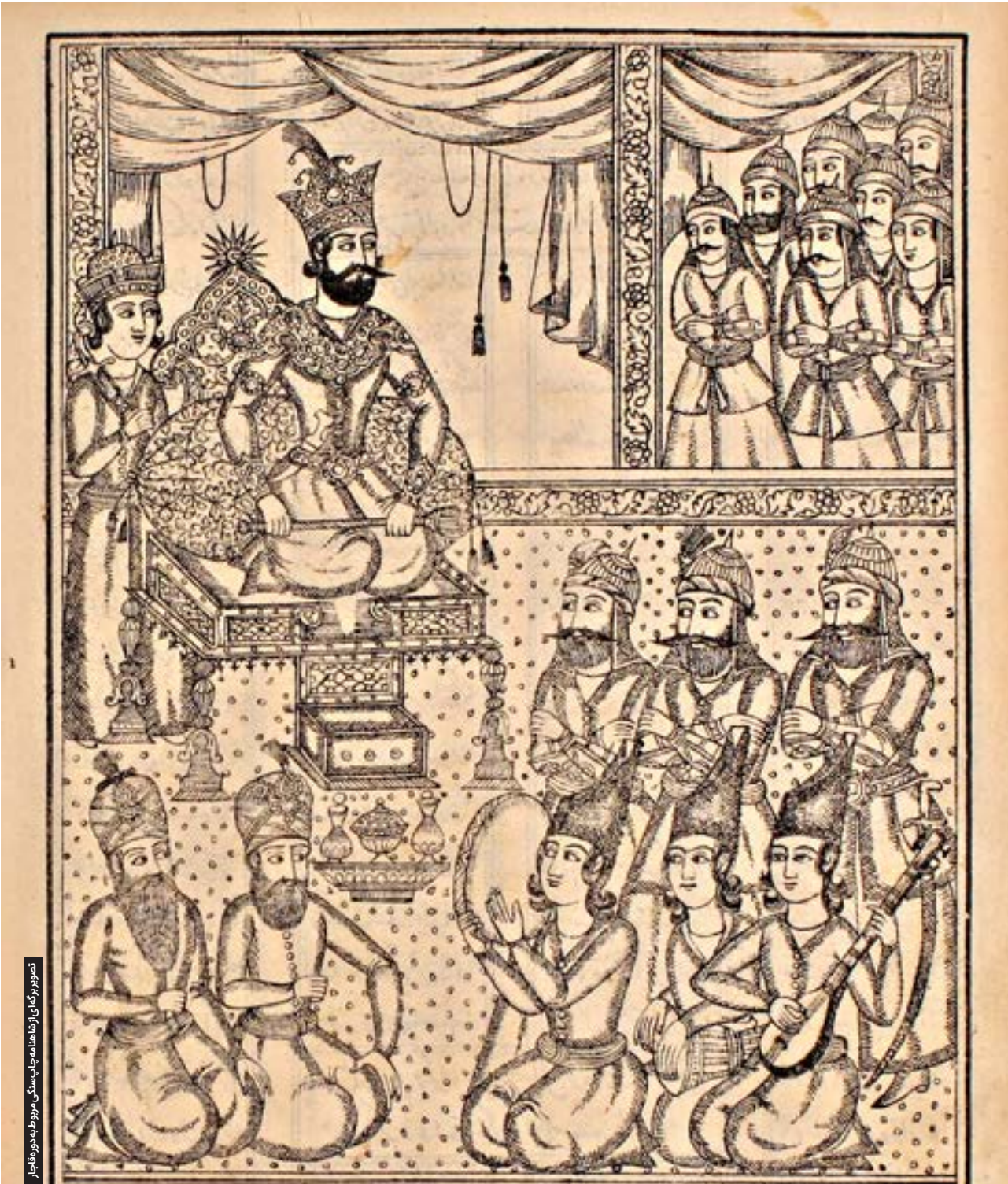
این دفتر زمینه‌ای فراهم آورده است برای پرسش‌های باریک‌تر

میرجلال الدین کزازی



از تگاهی بسیار فراگیر من برآتم که آن روشی که نویسنده گرامی کتاب می‌خواسته در پژوهش و نوشته خود به‌کار بگیرد، دیدگاه و روشی است که در این روزگار به آن نیازمندیم. می‌دانیم که دانش‌های گوناگون پدید آمده است در قلمرو تاریک نهفته‌مانده که آن را علوم انسانی می‌نامند. بسیاری از چالش‌ها در این دانش‌ها به‌آسانی به فرجام نمی‌رسد. برآتم که پاره‌ای از آن‌ها هرگز به فرجام نخواهد رسید، زیرا خاستگاه و قلمرو این دانش‌ها، نهان و نهاد آدمی است که بسیار تودرتوست و رازدراز. ما پاسخ پرسش‌ها را در این دانش‌ها هرگز یک باره و بی‌چندونچ نمی‌توانیم داد.

قلمرو علوم انسانی قلمرو پرسش‌ها و پاسخ‌هاست. هر پاسخی زمینه و انگیزه‌ای می‌تواند شد برای پرسشی دیگر. اگر کسی در این قلمرو بینگارد پاسخ فرجامین را به پرسش داده است، به راستی دانشور و پژوهنده نیست. پس اگر کسی دیدگاه نوآیین داشته باشد، باید پاسخی به پرسشی دیرینه و دشوار بدهد، نه آن چنان پخته. من برآتم که همچنان کاری ارزشمند انجام داده است، زیرا زمینه را فراهم کرده است برای پرسش‌هایی باریک‌تر که به پاسخ‌هایی باریک‌تری می‌توانند انجامید. آن ارجی که بر این پژوهش و دفتر می‌شناسم، این است.



تصویری از شاهنامه چاپ سستین موروثی به موروثی

خادم مراسم رونمایی از کتاب «هنگامه کیانیان» نوشته محمد طهماسبی به همت بنیاد فردوسی توس در مشهد برگزار شد. محمد طهماسبی متولد ۱۳۵۷ و فارغ‌التحصیل رشته مهندسی صنایع از دانشگاه آزاد و دکتری مدیریت کسب و کار از کالج دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد است. اما علاقه به ادبیات باعث شده است در این حوزه پژوهش و آثاری منتشر کند. او پیش از «هنگامه کیانیان» اثری دیگر با نام «دوازده رساله در عشق» درباره ادبیات عرفانی نوشته و پس از این وارد دنیای شاهنامه شده است. در سال ۱۳۹۶ پژوهش کتاب «هنگامه کیانیان» را آغاز کرده که چندی پیش حاصل سعی چندساله او منتشر شده است. در برنامه‌ای که عصر جمعه، ۲۷ بهمن ۱۴۰۲ در ساختمان بنیاد فردوسی توس برگزار شد، دکتر علیرضا قیامتی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد - که در تألیف این کتاب مؤلف را همراهی می‌کرده و نقش استاد راهنما داشته- محمد طهماسبی نویسنده کتاب، شاه میرزا شاه منصور خواجه‌اف نماینده فرهنگی تاجیکستان در مؤسسه اکو در تهران، دکتر زاگرس زند استاد تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ع) و دکتر میرجلال الدین کزازی شاهنامه‌پژوه و استاد دانشگاه، به ترتیب سخنرانی کردند. آنچه در ادامه می‌آید، گزیده‌ای از سخنان آنان است.

گزارش

تاریخ ما به ۶ هزار سال محدود نمی‌شود
علیرضا قیامتی



شاهنامه محور ماست. شاهنامه امروز در میان مردم، از زن و مرد و پیر و جوان حضور دارد و همان‌طور که استاد کزازی گفته‌اند، پویش و جنبش شاهنامه خواهی در ایران آغاز شده است. به ویژه از کودکان و از

ایران دختان. توجه به هویت ایرانی روزبه‌روز دارد بیشتر می‌شود و این بسیار دل‌گرم‌کننده است، چرا که فردوسی شاهنامه را با همه توان برای ایران و ایرانی سرود. او نگران هیچ چیز نبود، حتی مرگ. تنها نگرانی فردوسی این بود که شاید اجل به او مهلت ندهد که شاهنامه را تمام کند و از خدا چنین می‌خواهد، همی خواهم از دادگری یک خدای/ که چندان بمانم به گیتی به پای/ که این‌نامه‌شهرباران پیش/ بپیوندم از خوب گفتار خویش. نویسنده کتاب «هنگامه کیانیان»، «مهندس طهماسبی، با وجود اینکه رشته تخصصی‌اش ادبیات نیست و در رشته‌های فنی تحصیل کرده است، کاملاً با دنیای شاهنامه و هویت و فرهنگ ایرانی آشناست و بی‌هیچ ادعایی در راه این فرهنگ می‌کوشد. ما درباره مباحث اسطوره‌ای و تاریخی خیلی بحث داریم. یک میثت بسیار بزرگ این است که گروهی، همه‌بخش پیشدادیان و کیانیان شاهنامه را کاملاً اسطوره‌ای می‌دانند و هیچ ریشه تاریخی برای آن متصور نیستند. عده دیگری از پژوهشگران برعکس به همه بخش اسطوره‌ای‌نگاهی تاریخی دارند و می‌گویند که کیانیان همان هخامنشیان هستند و... اما نگاه سوم که آقای طهماسبی به سمت آن رفته است و نگاه من هم هست، این است که سلسله پیشدادیان و کیانیان که در تاریخ ما نیست، قطعاً پیش از دوره هخامنشیان و مادها بوده و پیش از تاریخ بوده است. این ملت پیشینی‌ای ۱۰ هزار ساله دارد. تاریخ ۶ هزار سال است که مکتوب شده است. قطعاً پیش از مکتوب شدن آن سلسله‌هایی بوده‌اند. سلسله‌های پیشدادیان و کیانیان سلسله‌های پیش از تاریخ هستند. اگر اسطوره‌ای هم هست، اسطوره به این شکل است. نه اینکه سند تاریخی نداشته باشد. همین که این نام‌ها در متون اوستایی و پهلوی آمده، خودش نشان دهنده همین قرینه‌است. نویسنده کتاب همه متون تاریخی و ایرانی و اوستایی را دیده است، آثار فارسی تاریخی به ویژه آثار الباقیه را خط به خط بررسی کرده است. همه آثار تاریخی غربی را دیده است

و گمانه‌ای در ذهنش بوده است که رنگ‌ها و قرینه‌های تاریخی را از دل تاریخ در بیاورد و بیان کند. نمی‌گویم آنچه ایشان آورده حتماً درست است، اما مبانی‌ای را مطرح کرده که بسیار بسیار به واقعیت نزدیک است و بعضی از آن‌ها را هم نمی‌توانیم کتمان کنیم.

آثاری که نوشتنشان ایثار می‌خواهد
شاه میرزا شاه منصور خواجه‌اف



کار آقای طهماسبی را بسیار دوست داشتم و برایم تحسین برانگیز است، زیرا کسی که رشته‌اش ادبیات نبوده، آمده است سراغ این کار. این کارها از خودگذشتگی، بیدارخوابی و گذشتن از نور چشم می‌خواهد.

تألیف و تهیه و تدوین هر کتاب به نظر این جانب ساخت و بنیاد شهری را می‌ماند که معمار آن همه نکات ظریف ساخت و ساز، شرایط زندگی باشندگان، امکانات رفاهی، آب، گاز، برق، کودکان و دبستان و دبیرستان و دانشگاه و... و در مجموع امروز و فردای آن را مدنظر می‌گیرد و همه عواقب آن را در درازمدت از قبل تحلیل و بررسی می‌کند. این‌نامه که با خامه گپرا و

به دنبال جایی برای سلسله‌ای پیشاتاریخی

محمد طهماسبی نویسنده کتاب «هنگامه کیانیان» بر این باور است که همه تاریخ‌هایی را که در دسترس داریم، چه تاریخ‌هایی که در متون خودمان و چه آن‌هایی که در مرزهای پیرامونمان هست، جمع‌آوری و با هم مقایسه کنیم تا به نتیجه‌ای برسیم.

او می‌گوید: «این مسئله که به ذهنم آمد، خدمت آقای دکتر قیامتی رسیدم و ایشان شش سال به شایستگی بنده را هدایت کرد. همه منابعی که در این پژوهش از آن استفاده یا به آن اشاره کرده‌ام، با راهنمایی دکتر قیامتی بوده است. ذهنیت من این بود که ببینیم آیا می‌توانیم با مقایسه گفتارهای کهن



جایی برای سلسله کیانیان باز کنیم یا نه. می‌دانیم که بسیاری از گفتارهای کهن صحت تاریخی ندارد. من آدمم همه گفتارهای کهن را براساس تاریخ آکادمیک، یعنی براساس همان تاریخ دانشگاهی ویرایش کردم. از طرف دیگر با چهار رویداد که زمان آن‌ها را می‌دانستیم، یعنی تاج‌گذاری کورش، گاه‌شمار مقدونیایی یا تاریخ اسکندری، زایش مسیح و تاج‌گذاری اردشیر بابکان بسنجیم. این چهار رویداد را به عنوان مبنا برای ویرایش گاه‌شمار در نظر گرفتم و با استفاده از ابزار نمودار سلسله‌ها و دودمان‌های تاریخی و بازه‌زمانی زیست، هر کدام را روی نمودار نشان می‌دهیم.»